**جلسه 86-198**

**دو‌شنبه – 28/12/۹6**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به ادله مشهور برای اثبات حرمت نظر به وجه و کفین زن اجنبیه بود. ابتداء از آیات شروع کردیم رسیدیم به آیه شریفه و لایبدین زینتهن الا لبعولتهن که دلالت می‌‌کند بر حرمت کشف اجنبیه جسدش را نزد اجانب و بالملازمة اثبات می‌‌شود حرمت نظر اجانب چون قبلا عرض کردیم ملازمه عرفیه است بین این‌که به زن بگویند رویت را بپوشان، ‌صورتت را بپوشان از نامحرم و بین این‌که به نامحرم می‌‌گویند حرام است که تو نگاه بکنی به صورت این زن اجنبیه.

مرحوم آقای خوئی در کتاب الصلاة فرمود که استثناء شده زینت ظاهره، و لایبدین زینتهن الا ما ظهر منها و در معتبره مسعدة‌ بن زیاد دارد که سئل جعفر علیه السلام عما تظهر المرأة من زینتها قال الوجه و الکفین. و لذا این آیه دلالت بر وجوب ستر وجه و کفین نمی‌کند.

در کتاب النکاح فرمود ما اشتباه کردیم. این و لایبدین زینتهن الا ما ظهر منها مربوط به حکم ابداء زینت است فی حد نفسه. بله، زن فی حد نفسه یعنی تا علم پیدا نکند به وجود ناظر اجنبی می‌‌تواند وجه و کفینش را باز بگذارد. و لکن اگر علم پیدا کند به وجود ناظر اجنبی، ‌داخل می‌‌شود در جمله بعد: و لایبدین زینتهن الا لبعولتهن، ‌آنجا دیگر ندارد لایبدین زینتهن غیر الظاهرة، ‌نخیر، حتی زینت ظاهره را هم ابداء للاجنبی نکنند، به نامحرم نشان ندهند. پس لایبدین زینتهن الا ما ظهر منها در فرضی است که علم به وجود اجنبی نداریم. بله، علم به عدم اجنبی اگر بود که در حمام زن لخت هم می‌‌شود اما اگر شک داشت در وجود اجنبی، وجه و کفینش را می‌‌تواند باز بگذارد، ‌غیر وجه و کفینش را نمی‌تواند باز بگذارد اگر شک دارد در وجود ناظر اجنبی. وقتی علم پیدا کرد به وجود ناظر اجنبی وجه و کفینش را هم باید بپوشاند.

می‌ماند این و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن. ظاهر این را هم آقای خوئی زده به آن و لایبدین زینتهن الا ما ظهر که این و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن و لو دلیل است بر جواز کشف وجه اما در جایی که علم به وجود ناظر اجنبی نباشد، ‌فرض شک باشد در وجود ناظر اجنبی. مرحوم آقای خوئی فرموده روایات هم موافق است با این تفسیر ما. روایات هم دو دسته است:‌ مثلا معتبره ابی بصیر و لایبدین زینتهن الا ما ظهر منها این را معنا کرد، ‌فرمود الخاتم و المسکة و هی القلب انگشر و النگو، ‌این‌ها زینت ظاهره هستند، اما در صحیحه فضیل دارد که سئل عن الذراعین من المرأة هما من الزینة التی قال الله و لایبدین زینتهن الا لبعولتهن؟ فاجاب علیه السلام نعم. در مورد و لایبدین زینتهن الا لبعولتهن وارد شده. مورد صحیحه فضیل فقره دوم آیه است و لایبدین زینتهن الا لبعولتهن، ‌مورد صحیحه ابی بصیر فقره اولی آیه است و لایبدین زینتهن الا ما ظهر منها.

مرحوم آقای بروجردی که قائل است به وجوب ستر وجه و کفین البته فرموده است که ما احتیاط واجب می‌‌کنیم و قائل است به حرمت نظر به وجه و کفین اجنبیه، ‌فرموده است حتی اگر جایز باشد کشف وجه و یدین بر زن نامحرم، ادله می‌‌گوید نظر نامحرم به وجه و کفین حرام است. ایشان این‌جور توجیه می‌‌کند، می‌‌فرماید که:‌ این آیه شریفه خودش می‌‌گوید زینت ظاهره را می‌‌توانید آشکار کنید، ‌زینت ظاهره هم شاید ثیاب است، لباس‌ها، ‌چادر، ‌مانتو‌، روسری، ‌این‌ها زینت ظاهره هستند. بله، معتبره مسعدة بن زیاد گفت الوجه و الکفین و لکن این روایت موافق است با آنچه که عامه از ابن عباس نقل کردند و خلاف آن چیزی است که از ابن مسعود نقل شده که زینت ظاهره را به ثیاب معنا کرده. خب ممکن است شما بفرمایید روایت معتبره است چرا عمل نمی‌کنید؟ مرحوم آقای بروجردی فرموده چون معرض‌عنه اصحاب است فتوی و عملا. اصلا بین مؤمنین زن وجه و کفینش را باز بکند در حالی که ناظر اجنبی می‌‌بیند از منکرات تلقی می‌‌شود. و لذا ممکن است و لایبدین زینتهن الا ما ظهر منها مراد زینت ظاهره یعنی ثیاب باشد.

[سؤال: ... جواب:] یعنی ثیاب ظاهره. ثیاب باطنه داریم ثیاب ظاهره داریم. یعنی همین لباس‌های فاخری که زن‌ها می‌‌پوشند. ... لازم نیست استثناء تأسیس باشد، ‌یعنی لازم نیست استثناء حتما مفید یک معنایی باشد که بر مردم پنهان است، نخیر. شما می‌‌گویید من از هیچکس نمی‌ترسم الا از خدا، ‌این استثناء هم اگر نبود نیازی نبود و لکن برای تاکید می‌‌گویید. و لایبدین زینتهن، ‌ابداء نکنند زینت خود را، ‌حالا آن زینت ظاهره هیچ، ‌یعنی در مقام بیان لایبدین زینتهن است نه در مقام بیان این‌که بدانید زینت ظاهره کشفش جایز است تا مردم بگویند معلوم است که کشفش جایز است اگر مراد از زینت ظاهره لباس باشد. ... می‌‌تواند لباس‌های فاخر هم بپوشد بیاید بیرون. اما باید زینت خودش را حتی وجه و کفین را اخفاء بکند‌، فقط ثیاب ظاهره را می‌‌تواند آشکار بکند.

بعد می‌‌ماند و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن، ایشان فرموده‌اند که این هم معنایش روشن شد. معنایش این است که آقا!‌ روسری‌تان را خانم ها! پشت سر نبندید، ‌بیندازید روی گریبان‌تان، اما دلیل دیگر داریم که در مقابل ناظر اجنبی باید با جلباب و یا با ازار که به معنای چادر است رویش را بپوشاند. با خمار سینه‌اش را بپوشاند، گریبانش را بپوشاند. اگر نامحرمی را دید که در مقابلش هست، ‌قل لنسائک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهن من جلابیبهن. یدنیهن علیهن من جلابیبهن ایشان فرموده است ادنی علیه من جلبابه یعنی جلبابش را روی خودش افکند. فرموده است یک وقت معنا نکنید یدنین علیهن به یدنین منهن. ادنی منه یعنی قرّبه الیه که در کتاب مسأله حجاب این‌جور معنا کردند، ‌یدنین علیهن به یدنین الیهن‌، یدنین منهن معنا کردند گفتند روسری بزرگ خود را، ‌جلباب به معنای روسری بزرگ گرفتند، گفتند روسری بزرگ خود را به خودشان نزدیک کنند. مثل بعضی از بدحجاب‌ها که روسری‌شان شل بسته می‌‌شود، ‌باز است، مثل آن‌ها نباشند، محکم ببندند به خودشان‌ که نشانه این است که زن عفیفی هستند نه این‌که صرفا تشریفاتی یک روسری روی سرشان می‌‌اندازند.

مرحوم آقای بروجردی فرموده نه، ‌آیه که ندارد یدنین منهن، یدنین الیهن، دارد یدنین علیهن. ادنی علیه یعنی ارخی علیه یعنی بر روی او افکند این ساتر را، یدنین علیهن من جلابیبهن، جلباب که حالا یا روسری بزرگ است یا پارچه بزرگ، ‌بهتر است که بگویید پارچه بزرگ چون مردها هم جلباب داشتند، پارچه بزرگ را روی خودشان بیندازند، خب روی خودشان بیندازند ایشان می‌‌گوید روی صورت‌شان بیندازند. و روایات دیگر.

این فرمایشی است که فرموده شده.

به نظر ما فرمایش آقای خوئی که ناتمام است. انصافا این‌جور تفسیر کردن آیه عرفی نیست. معنایش این است که لایبدین زینتهن الا ما ظهر منها مختص است به حال شک در وجود ناظر اجنبی یعنی اگر شک دارید در وجود ناظر اجنبی خطاب می‌‌کند که به خانم‌ها در فرض شک فقط وجه و کفین‌تان را می‌‌توانید باز بگذارید اما اگر علم پیدا کنید به وجود ناظر اجنبی وجه و کفین را هم باید بپوشانی، ‌از کجای آیه این استفاده می‌‌شود‌؟ شک و علم در آیه اخذ نشده. عرفا اگر یک زنی شک داشت در وجود ناظر اجنبی، رویش را نپوشاند، ‌گفت ان‌شاءالله ناظر اجنبی وجود ندارد، بعد معلوم شد که ناظر اجنبی وجود دارد، ‌بدجوری هم وجود دارد، ‌صدق نمی‌کند که این زن بگوید مع الاسف ابداء کردم وجه خودم را لغیر بعلی؟ خلاف این آیه عمل کردم که می‌‌گوید و لایبدین زینتهن الا لبعولتهن منتها حواسم نبود، ‌شک داشتم گفتم ان شاء‌الله ناظر اجنبی وجود ندارد خب صدق می‌‌کند ابدت وجهها الا لبعلها. حتی ابدت لغیر بعلها، لغیر بعلها لازم نیست با علم و التفات یا با قصد باشد. بر فرض ذیلش مربوط به مورد علم باشد، صدرش را که و لایبدین زینتهن الا ما ظهر منها حمل کنیم بر خصوص فرض شک، ‌این عرفی نیست. قدرمتیقن از و لایبدین زینتهن الا ما ظهر منها که عرف می‌‌فهمد فرض علم به وجود ناظر اجنبی است؛ حمل آن بر خصوص فرض شک عرفی نیست.

و اما این‌که فرمودند روایات دو طائفه است برخی که وجه و کفین را استثناء کرده لایبدین زینتهن الا ما ظهر منها را مطرح کرده:

آقا! آن روایت صحیحه فضیل که می‌‌فرمایید و لایبدین زینتهن الا لبعولتهن را معنا کرده اصلا در او وجه و کفین نیاورده، در او ذراع آمده. یکی وجه و کفین است یکی ذراع. در معتبره مسعدة‌ بن زیاد می‌‌گوید زینت ظاهره‌ای که سئل عما تظهر المرأة من زینتها قال الوجه و الکفین که ظاهرش این است که تظهر در هنگام وجود ناظر اجنبی و علم به وجود ناظر اجنبی. صحیحه فضیل که راجع به و لایبدین زینتهن الا لبعولتهن می‌‌گوید، سئل عن الذراع، ‌ذراع مرأة را مطرح می‌‌کند چه ربطی دارد به مورد روایت مسعدة بن زیاد؟‌ روایت صحیحه فضیل این است که سئل عن الذراعین من المرأة هما من الزینة التی قال الله و لایبدین زینتهن الا لبعولتهن؟ فاجاب علیه السلام نعم و ما دون السوارین من الزینة و ما دون الخمار من الزینة.

اما فرمایش آقای بروجردی:

این‌که ایشان فرمود کشف وجه و کفین در عرف متشرعه از منکرات بوده و اعراض شده عملا و قولا از این روایاتی مثل معتبره مسعدة بن زیاد سئل عما تظهر المرأة من زینتها قال الوجه و الکفین یا معتبره ابی بصیر که لایبدین زینتهن الا ما ظهر منها قال الخاتم و المسکة ایشان فرمودند اعراض کردند فقهاء ما از این روایات.

اعراض ثابت نیست، شیخ طوسی در تهذیب، ‌استبصار، ‌مبسوط کرد تصریح کرد به جواز کشف وجه و کفین و نظر به آن، ‌چه جور می‌‌فرمایید اصحاب اعراض کردند؟

اما این‌که می‌‌فرمایید که در عرف متشرعه اگر زنی رویش را باز می‌‌کرد از منکرات تلقی می‌‌شد، حالا زمان ما که این‌طور نیست، ‌فکر کنم یواش یواش ستر وجه از منکرات تلقی بشود، ‌زمان مرحوم آقای بروجردی کشف وجه از منکرات بود، و لکن این ناشی از فتوی فقهاء بوده، این را نمی‌شود گفت متصل بود به زمان معصوم.

[سؤال: ... جواب:] مرحوم آقای بروجردی این‌جور فرمودند، ‌فرمودند زن کشف کند وجهش را أمام الاجنبی کان یعد من المنکرات.

ما احراز نکردیم این منکر بوده به نحوی که متصل به زمان معصوم بوده است.

می‌ماند این فرمایش آقای بروجردی که قابل توجه است که و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن این نص نیست در جواز ابداء وجه. می‌‌خواهد بگوید خمار‌شان را بیندازند روی گریبان‌شان، ‌فرض نکرده غیر از خمار جلباب ندارند، ازار ندارند. انصافا اشکال خوبی است. چون جلباب تنها روی گلو را نمی‌پوشاند، روسریش را باید جلو خودش بیندازد، چادر هم که انداخت چادر وقتی نامحرم را دید مناسب است که چادرش را بیاورد روی صورتش که نامحرم صورتش را نبیند اما چه بسا اگر روسریش را نبندد از روی گریبانش کافی نباشد این مقدار برای ستر زیر گردن و قسمت منحر و یا این‌که چون در هنگامی که علم به وجود اجنبی ندارد لازم نیست رویش را بپوشاند، ‌خب اتفاقا اجنبی گلوی این زن را می‌‌بیند و تحریک می‌‌شود، ‌و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن. این فرمایش قابل توجه است.

بله، اگر ما دلیل داشتیم که پوشیدن جلباب یا پوشیدن ازار که ایشان به معنای چادر گرفته است لازم نیست، فقط لبس خمار لازم است، ‌آن وقت آیه دلالت می‌‌کرد بر این‌که خمار را هم یضربن بخمرهن علی جیوبهن با خمار هم که رویش و صورتش پوشیده نمی‌شد دلیل بر جواز کشف وجه بود. اما آیه که نمی‌گوید پوشیدن جلباب و ازار لازم نیست، باید به ادله دیگر رجوع کنیم.

پس به نظر ما اشکال این استدلال به این آیه این است که در روایت معتبره مسعدة‌ بن زیاد و روایت ابی بصیر وجه و کفین را از زینت ظاهره حساب کردند که جایز هست بر زن ابدائش. و این‌که آقای بروجردی فرمود اعراض شده از این روایت این را ما قبول نداریم. عمده اشکال ما این است.

اما جواز ابداء زینت ظاهره مساوی با جواز نظر نیست. مشهور می‌‌خواستند اثبات کنند حرمت ابداء را للوجه و الکفین از این آیه بعد بگویند لازمه‌اش حرمت نظر هم هست. ما گفتیم وجه و کفین از زینت ظاهره است استثناء شده از لایبدین زینتهن، ‌حالا که استثناء شده وجوب ستر وجه و کفین دلیل ندارد نه این‌که نظر به وجه و کفین زن جایز می‌‌شود. جواز کشف وجه و کفین بر زن دلیل بر جواز نظر مرد اجنبی به وجه و کفین زن نیست. و لذا می‌‌بینید مرحوم آقای گلپایگانی فرموده ستر وجه و کفین بر زن احتیاط واجب است ولی نظر مرد به وجه و کفین زن بناء بر فتوی حرام است. آقای بروجردی هم داشت، فرمود بر فرض ما کوتاه بیاییم از حرمت کشف وجه و کفین، قائل به جواز کشف وجه و کفین بر خود زن بشویم، از حرمت نظر اجنبی به وجه و کفین زن کوتاه نمی‌آییم.

بعد هم جمله جالبی آقای بروجردی دارد در این کتاب الصلاة نقل کردند از آقای بروجردی، ‌آقای بروجردی فرموده که اخیرا در بعضی از این کتاب‌هایی که منتشر می‌‌شود برای هتک نوامیس مردم یا این روزنامه‌ها، ‌استدلال کردند که زن لازم نیست کامل خودش را بپوشاند به بعض الروایات و بعض تواریخ که زنان مسلمان مواظب نبودند که تحفظ کامل بکنند بر حجاب‌شان در صدر اسلام و در جنگ می‌‌رفتند به کمک مجروحین. مرحوم آقای بروجردی فرموده این حرف‌ها درست نیست. حجاب در سال پنجم هجری نازل شد در آیه شریفه و لایبدین زینتهن که در سوره احزاب است و در سال پنجم هجری نازل شده است بعد از غزوه خیبر، ‌بله، قبل از آن، حجاب اینقدر شدید نبود بعد شدید شد.

حالا یکی از احتمالات در آیه و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن همین است که بعضی از آقایان اشکال می‌‌کردند دیروز که قائلین به وجوب ستر وجه و کفین با این آیه چه می‌‌کنند؟‌ این آیه که می‌‌گوید که روسری‌تان را روی گریبان‌تان بیندازید این معنایش این است که صورت‌تان می‌‌تواند باز بشود. یک جواب این بود که نمی‌گوید جلباب یا ازار را روی صورت‌تان نپوشانید. این فرمایش آقای بروجردی بود. یک جواب دیگر این است که تدرج در تشریع بوده. آیه دیگر نازل شده که قل لنساء المؤمنین یدنین علیهن من جلابیبهن، ‌به مرور احکام تشریع شده. این هم گفته می‌‌شود در مطلب.

ما عمده حرف‌مان این است که روایت معتبره می‌‌گوید که عما تظهر المرأة من زینتها قال الوجه و الکفین این دلیل بر جواز ابداء وجه و کفین است نه جواز نظر. جواز نظر کارش سخت است.

دلیل سوم از قرآن بر وجوب ستر همین آیه است که قل یا ایها النبی قل لازواجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهن من جلابیبهن ذلک ادنی ان یعرفن فلایؤذین.

استدلال آقای بروجردی را هم نقل کردیم. فرمود لازم است بیفکنند جلباب‌شان را زنان مؤمنه بر خودشان. اطلاقش می‌‌گوید یعنی بر روی خودشان هم بیفکنند، ‌بر صورت‌شان هم بیفکنند. آن وقت وجوب ستر وجه و کفین که از آیه استفاده شد حرمت نظر هم بالملازمة استفاده می‌‌شود.

در کتاب مسأله حجاب گفتند معنای آیه این است:‌ روسری‌های بزرگ خویش را زنان مؤمن به خودشان نزدیک کنند. چرا؟ ایشان فرموده که ما استظهارمان این است که زنی که ملتزم به حجاب است، حجابش را سفت نگه می‌‌دارد، آنی که تشریفاتی حجاب می‌‌پوشد می‌‌بینید که مدام روسریش را شل می‌‌بندد، ‌مدام باز می‌‌شود، آن وقت این نشان می‌‌دهد این زن زن ملتزمی نیست و این منشأ طمع افراد ناباب می‌‌شود. قرآن فرموده که نشان بدهید این زنان مؤمن که التزام دارید به حجاب و پاکدامن هستید، ‌ذلک ان یدنی ان یعرفن بالعفاف فلایؤذین.

گفتند اما این احتمالی که برخی از مفسرین عامه و کثیری از فقهاء شیعه مطرح کردند که می‌‌گویند آیه می‌‌خواهد بگوید که جلباب‌شان را روی خودشان بیندازند، روی صورت‌شان بیندازند، تا معلوم بشود کنیز نیستند، چون کنیزها روی‌شان را نمی‌گرفتند حتی موی سرشان هم باز بود. ذلک ادنی ان یعرفن فلایؤذین. ایشان گفتند نه این احتمال درست نیست. این معنایش این است که اسلام می‌‌گوید که برای من مهم نیست آزار و اذیت به کنیزان؛ ‌زنان مسلمان آزاد! شما کاری کنید که به شما تعرض نکنند یعنی تعرض به کنیزان مهم نیست، این را که نمی‌شود گفت. پس احتمال راجح همان احتمال اول است: ذلک ادنی ان یعرفن بالعفاف نه یعرف بانهن حرائر. یعرفن بالعفاف هم گفتیم حجاب‌شان را به خودشان نزدیک کنند یعنی گره روسری را خوب ببندد.

این مطالب ناتمام است که ایشان در کتاب مسأله حجاب می‌‌گوید:

اولا: یدنین علیهن به معنای نزدیک خودشان بکنند نیست. آقای بروجردی هم فرمود. ادنی علیه الستر یعنی ارخی علیه الستر، روی او افکند. در لغت هم این‌جور معنا کردند.

و اینی که ایشان می‌‌گویند که احتمال این‌که مراد این باشد که ذلک ادنی ان یعرفن بانهن حرائر این احتمال درست نیست، چرا درست نیست؟ چرا معنا می‌‌کنید می‌‌گویید معنایش این است که پس اسلام برای کنیزان و برای آزار کنیزان اهمیتی نداده است؟ نخیر. یک راه عملی نشان می‌‌دهد برای این‌که زنان آزاد از آزار اشرار در امان بمانند.

به قول آقای زنجانی مثال خوبی می‌‌زند، می‌‌گوید اگر دزدان‌هایی هستند بفهمند در این شخص سید است اموالش را نمی‌دزدند بلکه بر می‌‌گردند. حالا یک کسی به ساداتی که می‌‌روند سفر بگوید عمامه سیادت‌تان را روی سرتان بگذارید ذلک ادنی ان تعرفوا فلایسرق اموالکم. این معنایش این است که اهمیت نمی‌دهیم به دزدیده نشدن اموال غیر سادات؟ نه، این برای این است که یک راه عملی است برای این‌که این سادات بتوانند خودشان را حفظ کنند، غیر سادت چه کنند؟ عمامه سفید روی سرشان بگذارند که تازه بیشتر جلب توجه می‌‌کند، می‌‌گوید وضع این‌ها خوب است، سید اولاد پیغمیر هم نیستند که از جدشان بترسیم پس اموال این‌ها را بگیریم.

[سؤال: ... جواب:] چون کنیزها بی‌پناه بودند. زن حر شوهر مثل سد محکمی مواظبش است. کنیزها را که و لاتکرهوا فتیاتکم أی إمائکم علی البغاء ان اردن تحصنا، ‌اصلا کنیزهایشان را می‌‌دیدند برای فسق و فجور، مردم که اهمیت نمی‌دانند برای کنیزهایشان. برای این جهت بوده.

[سؤال: ... جواب:] من هم قبول دارم، ‌همین که کنیزها اصلا حجاب سر ندارند این قرینه می‌‌شود که همان احتمال اول که در کتاب مسأله حجاب انتخاب کردند بهتر است، ‌ذلک ادنی ان یعرفن بالعفاف فلایؤذین.

[سؤال: ... جواب:] التزام نداشتند به حجاب سر. ... بله عرض می‌‌کنم یا این را بگوییم که بعضی از کنیزها روسری داشتند ولی خیلی مواظب نبودند روسری‌شان را خیلی دقیق ببندند. ... عرض می‌‌کنم یا این را بگوییم یا این را بگوییم که ذلک ادنی ان یعرفن بالعفاف فلایؤذین. ولی این مهم نیست، اصلا مطلب اصلی ما نیست. ما می‌‌گوییم یدنین علیهن به معنای این نیست که روسری خودشان را به خودشان نزدیک کنند، اصلا جلباب به معنای روسری بزرگ نیست. روایت خواندم در جلسات قبل که علی بن عقبة بن خالد می‌‌گوید دخلت انا و معلی بن خنیس علی ابی عبدالله علیه السلام فخرج علینا من جانب البیت و لیس علیه جلباب. جلباب که روسری بزرگ نیست که. می‌‌گوید امام صادق علیه السلام جلباب رویش نبود. ‌یک پارچه بزرگی بود می‌‌انداختند روی بدنشان مثل عبا، شاید از عبا یک مقدار کوتاه‌تر. در آن روایت محمد بن سنان هم که قضیه عابد را نقل کردیم که دارد که فدخل المدینة بجلابیبه. ... پس جلباب مختص زن نیست، پس روسری نیست. جلباب در مجمع البحرین معنا کرده می‌‌گوید الجلباب ثوب واسع اوسع من الخمار و دون الرداء.

[سؤال: ... جواب:] و دانیة علیهم ظلالها. ... دنی علیه آن‌جور که لغت معنا کرده ارخی علیه.

اما جواب از استدلال به آیه:

اولا: آیه ظهور در وجوب ندارد. ذلک ادنی ان یعرفن فلایؤذین این آیه ظهور در وجوب ندارد. این آیه می‌‌خواهد بگوید خانم ها! جلباب‌تان را روی خودتان بیندازید، این راحت‌ترین کار است، نزدیک‌ترین راه است برای این‌که شما را بشناسند به این‌که عفیف هستید یا زن آزاد هستید ایذاء نکنند شما را. این نکته ظهور آیه را در وجوب از بین می‌‌برد.

ثانیا: کی گفته ادنی علیها جلبابها ظهورش این است که حتی علی وجهها؟ نه، ‌همین که جلباب را کامل بکشانند جلوی سرشآن‌که بدن‌شان را بپوشاند و لو وجه‌شان خارج باشد چون وجه زینت ظاهره است، ‌صدق می‌‌کند ادنی علیها من جلبابها، ‌عرفا صدق می‌‌کند. یک زنی است چادر که سر می‌‌کند تا فرق سرش بیرون است، یک کسی نه، ‌چادر که سر می‌‌کند می‌آید تا پیشانی و بدنش را می‌‌گیرد صورتش بیرون است صدق می‌‌کند که این زن دوم ادنت علیها من جلبابها، ‌صدق می‌‌کند دیگه.

پس این آیه هم دلالت بر وجوب ستر نمی‌کند.

[سؤال: ... جواب:] حالا یک متلک هم به او بگویند بروند به این زن بگویند تو گنهکاری چون چرا از این خیابان رفتی که به تو متلک گفتند؟ چرا تاکسی‌تلفنی نشدی، سوار ماشین‌های عمومی شدی، تو راه که می‌‌رفتی جوان‌ها به تو متلک گفتند، ‌تو حرام مرتکب شدی؟ ... ایذاء یکی متلک گفتن است، مگه ایذاء این است که برود با او تجاوز بکند. ... چرا همه مراتب را در نظر می‌‌گیرید شما را که حتی به حد تجاوز جنسی برسد، ‌خب معلوم است که به آن مراحل برسد باید اصلا از خانه بیرون نیاید.

مهم این است که ما در حرمت نظر به روایات استدلال کنیم.

مشکل‌ترین روایت این است صحیحه هشام، حماد و حفص سه نفر نقل کردند عن ابی عبدالله علیه السلام لابأس بان ینظر الی وجهها و محاسنها اذا اراد ان یتزوجها. این مفهومش چیه؟ مفهومش این است که زن اذا لم ترد ان یتزوجها ففی النظر الی وجهها بأسٌ. محاسن هم یعنی همان محل النگو.

[سؤال: ... جواب:] کجا دارد لابأس بان ینظر بشهوة؟ لابأس بان ینظر الی وجهها و محاسنها اذا اراد ان یتزوجها، ‌مفهومش این است که اذا لم یرد ان یزوجها فلاینظر الی وجهها.

این مشکل‌ترین حدیثی است که نه در سندش می‌‌تواند مناقشه کرد و نه مناقشه در دلالت آن به این آسانی است. مرحوم آقای خوئی هم در کتاب النکاح دلالتش را پذیرفته بر حرمت نظر. تامل بفرمایید ببینیم چه باید کرد.

ان‌شاءالله یکشنبه روز پنجم فروردین. کسانی که در قم هستند دعوت‌شان می‌‌کنیم تشریف بیاورند.